



بوستان (و گلستان) سعدی از کتابهایی است که از دیرباز، نوجوان و پیر آن را خوانده‌اند و متفمن و حرفه‌ای بدان علاقه ورزیده‌اند. در عصر ما نامهای مشهوری چون محمدعلی فروغی و ناصح و محمد خزائلی و غلامحسین یوسفی و علی‌اف با بوستان قرین است و همراه بوستان یادآوری می‌شود. در سالهای اخیر دکتر جعفر موید شیرازی و اخیراً دکتر انزابی‌نژاد و دکتر سعید قره‌بگلو بر بوستان حاشیه نوشته‌اند. این چاپ که مورد بحث ماست از لحاظ تصحیح خصوصیتی ندارد یعنی تلفیقی است از نسخ مختلف. البته اساس کار تصحیح یوسفی بوده است، الا اینکه گاه «نسخه‌های معتبر چاپی را چنانکه موجه‌تر و دلپذیرتر از نسخه‌ی دکتر یوسفی بوده» برگزیده‌اند (ص ۹). ممکن است کسانی باشند که تصحیح ذوقی را نپسندند، ولی به هر حال دو مؤلف اخیر چنین کاری کرده‌اند. مخاطب دو مؤلف در این شرح کسانی هستند که آشنای رشته ادبیات و زبان فارسی و در حقیقت دانشجویان این رشته هستند (ص ۸) البته هر خواننده‌ی علاقه‌مندی می‌تواند از این کتاب بهره برد.

اکنون که سخن از انتخاب ذوقی در میان آمد، این را هم عرض کنم که بعضی چاپ‌های بازاری (مثلاً کلیات سعدی به خط میرخانی) که بیش از چهل سال پیش از این چاپ شده، بر روی هم خوشخوان‌تر از بعضی چاپ‌های مصحح است. برای نمونه بیتی که دکتر یوسفی و دو مؤلف با تکلف بسیار معنی کرده‌اند در نسخه‌ی میرخانی به این صورت آمده است:

که سرگشته‌ای دون آتش پرست

هنوزش سراز خمر بتخانه مست...
(مقایسه کنید با کتاب مورد بحث ما صفحه ۱۷۹ و ۷-۳۹۶ که به جای کلمه «آتش پرست» کلمه «یزدان پرست» آمده است) و جالب اینکه در همین

نسخه به اصطلاح بازاری کلمه «آتش پرست» با «میغ» که در آغاز حکایت آمده مناسب‌تر است: «معنی در به روی از جهان بسته بود».

با این حال بنده شخصاً ضبط نسخ کهن‌تر را ترجیح می‌دهم چرا که می‌خواهیم ببینیم سعدی چه گفته است نه اینکه کاتبان چه سلیقه‌هایی به خرج داده‌اند و این نظیر آن شعر حافظ است که می‌فرماید:

بیا که فسحت این کارخانه کم نشود

به زهد همچو تویی و به فسق همچو منی
کاتبان خوش سلیقه و باذوق کلمه‌ی ناتراش و نامتناسب با غزل «فسحت» را به «رونق» تغییر داده‌اند، اما حافظ «فسحت» گفته است.

البته تکیه‌ی دو مؤلف بر چاپ یوسفی بوده و چاپ‌های فروغی و امیر خیزی و شرح سودی و خزائلی و چاپ علی‌اف را هم در نظر داشته‌اند و از نظرات دکتر رشید عیوضی نیز سود جستند (ص ۹) و متن خوانایی فراهم شده است.

گاهی کلمات بسیار معمولی معنی شده، و این ایرادی است که بر دکتر یوسفی گرفته‌اند. (۸) در هر حال خواننده متوسط الحال از توضیحات کتاب گرچه بعضاً برایش معلوم باشد ضروری نمی‌بیند، و عموماً فایده می‌برند.

دو سه نکته به منظر آمد که به عرض می‌رسانم:
□ در صفحه ۳۱۶ نوشته‌اند کلمه «جوانمرد» به معنی صفت مقلوب (= مرد جوان) در شعر زیر بکار رفته است:

جوانمرد شب رو فرو داشت دوش

به کفشی برآمد خداوند هوش (بیت ۲۳۸۲)
و اظهار استبعاد کرده‌اند که دزد چگونه «جوانمرد» باشد؟ باید توجه داشت که جوانمرد (و برنا پیشه) در ادب قدیم معادل «فتی» عربی یکی از معانیش عضوی از گروه عیاران است و نه اینکه لزوماً فضیلت اخلاقی در نظر باشد. چنانکه این کلمه جوانمرد در متون داستانی کهن (خصوصاً سمک عیار) با همین معنی برنابیشگی و عیاری به کار رفته است.
□ در مورد عبارت «تعالی‌الله» باید یادآوری

می‌کردند که جمله‌ای است قرآنی (اعراف)
□ در صفحه ۳۵۵ «بیسیم الله» نادرست و «بسم الله» صحیح است.

□ ضبط شعر سعدی که شاهد آورده‌اند، به این صورت صحیح است:

چشم از آن روز که بر کردم و رویت دیدم

به همین دیده، سر دیدن اقوام نیست
و آن صورت که نوشته شده معنای محصلی ندارد:

«به همین دیده سر، دیدن اقوام نیست»

□ ص ۳۰۰ پیوستگی محتمل «میغ» فارسی با «غیم» عربی مدرک نقلی می‌خواهد و گرنه از قبیل حدسیات دکتر «مهمدم مقدم» خواهد بود.

□ صفحه ۲۲۷ «طبق» را در بیت زیر به نقل از دهخدا به معنی آسمان گرفته‌اند، حال آنکه طبیعی است آن را چمنزار سبز بدانیم چنانکه در شعر هم کلمه «روضه» آمده است:.

چنان نادر افتاده در روضه‌ای

که بر لاجوردین طبق بیضه‌ای
زیرا قلعه قزل ارسلان روی زمین قرار داشته نه بر روی آسمان.

گدایی که بر شیر نر زین نهد

«ابو زید را اسب و فرزین نهد»
نهادن را به معنی طرح دادن یا طرح کردن گرفته‌اند یعنی کنار گذاشتن دو مهره کارآمد از باب تحقیر حریف. اگر هم معنی طرح دادن همین باشد که نوشته‌اند، در شعر بوستان مورد و محلی ندارد. سعدی در وصف آن گدا می‌خواهد بگوید:

چنان کلاش و شخاد و تردست بود که ابوزید را مات می‌کرد، چون اگر شاه حریف را با اسب و وزیر کیش بدهیم راه فرار ندارد و مات می‌شود. ابوزید همچنانکه اشاره کرده‌اند قهرمان مقامات حریری است و مخترع و مبتکر فنون اخاذی و تیغ زدن بوده است.

در پایان توفیق بیش از پیش مؤلفان دانشمند را خواستاریم و اهل مطالعه را به ملاحظه حاصل کوشش ایشان در تهیه متن و شرح خوشخوان و سودمندی از بوستان سعدی توصیه می‌کنیم.

رتال جامع علوم انسانی

علیرضا ذکاوتی قراقرلو

بوستان سعدی
با شرح و گزارش از: دکتر رضا انزابی نژاد - دکتر سعیده قره بگلو
انتشارات جامی
چاپ اول، ۱۳۷۸

شرحی خوشخوان از بوستان